

ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول:** محمدحسن روزی‌طلب
- سردبیر:** کمیل نقی‌پور
- معاون فنی:** محمدملاعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عبوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصاد) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی(اجتماعی)

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری (اندیشه) • محمدرضا عزیززی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحهٔ آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

- تلفن:** ۸۸۷۶۱۷۲۰ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
- پایامک:** ۳۰۰۰۴۵۱۳۳ روابط عمومی • **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۸۸۰۰۵۳۸۸ • **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌جم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه ایزوا ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۱۸۷۷(۰۲)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲



پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله علیه‌ و‌آله وسلم:

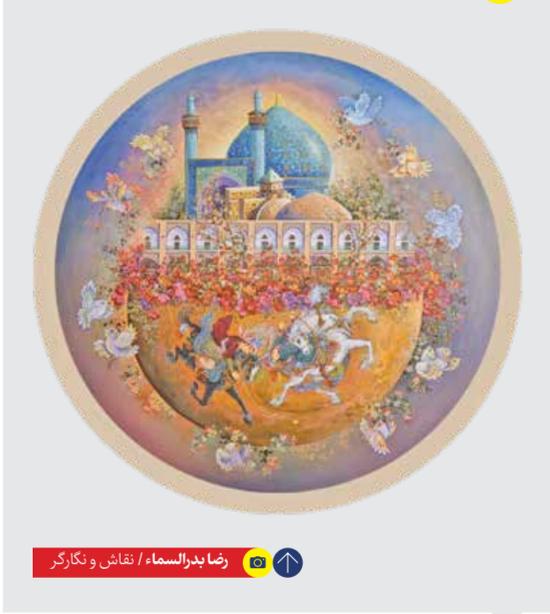
مسافرت کنید تا سالم و تندرست بمانید و بهره‌ها نصیبتان گردد.

مواظط عدیدیه، ص ۱۲



نگاره

نصف جهان



📺👆👇👉 **رضا پدراالسماء / نقاش و نگارگر**

فضای مجازی

📺👆👇👉 **رضا پدراالسماء / نقاش و نگارگر**

📺👆👇👉 **رضا پدراالسماء / نقاش و نگارگر**

📺👆👇👉 **رضا پدراالسماء / نقاش و نگارگر**

گلابه و انتقاد اکبر عبدی به نحوه تبلیغات فیلم‌های سینمایی در یکی از شبکه‌های فارسی زبان، برگزاری یک نمایشگاه عکس با موضوع موسیقی اقوام ایران در فرانسه و اعلام تاریخ برگزاری مراسم اسکار از اخبار شبانه‌روز گذشته دنیای مجازی است.

اکبرعبدی بازیگر پیشکسوت سینما و تلویزیون از نحوه تبلیغات فیلم‌های سینمایی در یکی از شبکه‌های فارسی زبان انتقاد کرد. این بازیگر سینما و تلویزیون، طی ویدیویی که در فضای مجازی منتشر کرد نسبت به تبلیغات فیلم سینمایی «فیسلی» که در آن گفته شده است «بهترین فیلم کمدی نوستالژیک تاریخ سینمای ایران» انتقاد کرد.

بخشی از صحبت‌های اکبر عبدی در این ویدیو به شرح زیر است: «داشتم زندگی روزمراه را

می‌کردم، هر از گاهی تلویزیون می‌بینم، غذا و دارو می‌خورم، دراز می‌کشم و… صدای تبلیغات یک فیلم سینمایی کنجاکوم کرد. وقتی رفتم مقابل تلویزیون، متأسفانه شبکه شریک دزد و رفیق قافله آقای جم! داشت تبلیغ یک فیلم کمدی نوستالژیک تاریخ سینمای پخش می‌کند و جالب است که تلویزیون ما اجازه تبلیغ فیلم‌های سینمایی را ندارد یا خودشان نمی‌خواهند یا اجازه ندارند یا گران است. هرچه که هست دلپیش را خودشان می‌دانند اما آقای جم تمام فیلم‌هایی را که تولید می‌شوند تبلیغ می‌کند.

عبدی در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «از هشت سالگی عاشق سینما هستم هرکجا

صدایی درباره سینما باشد مرا کنجاکو می‌کند. آقای گوینده تیزر که با او هم مشکل دارم زیرا

هیچ‌وقت چیزی را که قرار است بخواند مطالعه نمی‌کند. از ایشان سؤال دارم آیا این عقیده

خودشان هم هست که می‌گویند این فیلم «بهترین فیلم کمدی نوستالژیک تاریخ سینمای

ایران» است؟ تاریخ سینمای ایران حرف کوچکی نیست یعنی هفتاد سال، هشتاد سال که

بزرگان ما فیلم کمدی ساختند و بازی کردند تاکنون کاهکل لگد می‌کردند و این فیلم متر

و معیار تاریخ کمدی سینمای ایران است؟ آقایان تهیه‌کنندگان، شما مگر تمام حرفتان این

نیست که از زمان شاه بگذریم و هر چیزی که شما را یاد گذشته بیندازد حرام است؟ بعد مردم

باید پول بدهند و با فیلمی درباره ۵۰ سال گذشته عشق کنند؟»



در شیراز و اصفهان برگزار می‌شود اما تاریخ آن هنوز اعلام نشده است.

فؤاد توحیدی پژوهشگر و نوازنده از یک نمایشگاه عکس با موضوع موسیقی اقوام در خارج از ایران خبر داده و نوشته: «عکس‌های من و چند نفر از هنرمندان با موضوع موسیقی اقوام ایرانی سوم تا هجدهم ماه مه در شهرن فرانسه برگزار می‌شود.» این نمایشگاه از سوی انجمن فرهنگی و هنری گیلرات با موضوع «موسیقی در زندگی اقوام ایرانی» برگزار می‌شود.



تأملی به بهانه روز معمار
سعید مستغاثی، مستندساز و کارشناس سینما به بهانه روز معمار که ۳ اردیبهشت (۲۳ آوریل) و مصادف با سالروز تولد شیخ بهایی است، تصویری از این شیخ بزرگ منتشر کرده و در شرح آن نوشته: «فقیه دانشمندی که طراح اصفهان بود، حمای اسرارآمیز ساخت و نان سنگک را ابداع کرد.» و در ادامه آورده است: «دکتر عبدالله جبل عامی (استاد تاریخ معماری دانشگاه هنراصفهان) در قرن یازدهم هجری شاه عباس صفوی اصفهان را برای پایتختی انتخاب می‌کند که با توجه به اوضاع نابسامان آن زمان، شهرمی بوده که از مرزهای ناامن آن روزگار فاصله قابل توجهی داشت. در همان سال‌ها علومی شیخ بهایی به ایران می‌آید و به صورت مشاور برای حکومت شاه عباس و طرح جامع توسعه اصفهان عمل کرده و در جهت معماری نوین اصفهان تأثیر بسیار قابل توجهی می‌گذارد. شیخ بهایی بسیاری از بناهای شگفت انگیز اصفهان را طراحی کرده مثل مسجد جامع عباسی یا همان مسجد شاه که به مسجد امام هم مشهور شده یا حمامی که با یک شمع می‌سوخت و منارجنبان. از دیگر کارهای شیخ بهایی تقسیم آب زاینده‌رود بوده که معروف به طومار شیخ بهایی است.»

آن سوی جهان

خبر دیگر در خصوص مراسم اسکار است که طبق اعلام آکادمی علوم و هنرهای تصویری متحرک و ABC، نود و ششمین مراسم اسکار ۱۰مارس ۲۰۲۳ برگزار می‌شود. در همین حال اعلام شد آخرین مهلت برای ارسال فیلم‌ها برای اسکار ۲۰۲۳ برابر ۱۸ نوامبر ۲۰۲۳ خواهد بود.
آی‌گیبی اولیه برای معرفی فهرست‌های کوتاه ۱۸ دسامبر شروع و اعلام نتایج ۲۱ دسامبر انجام می‌شود. مراسم اسکار ۹۶ یکشنبه ۱۰ مارس ۲۰۲۴ دالنی تئاتر برگزار می‌شود و مراسم به صورت زنده از ABC روی آنتن می‌رود.



غلامعلی حداد‌عادل

📺👆👇👉 **غلامعلی حداد‌عادل**

یادداشت

ای خوشا کشکول



آزاده جهان‌حمدی منتقد ادبی

نگاهی به زندگی شیخ بهایی و کتاب کشکول او
بهاء‌الدین محمدبن حسین عاملی، معروف به شیخ بهایی روحانی و دانشمند نامدار شیعه در قرن دهم و یازدهم هجری است که در علوم فلسفه، منطق، هیات و ریاضیات تبحر داشت. در حدود ۹۵ کتاب و رساله از او در سیاست، حدیث، ریاضی، اخلاق، نجوم، عرفان، فقه، مهندسی و هنر و فیزیک بر جای مانده است. به پاس خدمات وی به علم ستاره‌شناسی، یونسکو سال ۲۰۰۹ را به نام او سال نجوم و شیخ بهایی» نامگذاری کرد.

حدود ۸۰ کتاب و رساله کوچک و بزرگ به شیخ بهایی منسوب است که عمدتاً در علوم دینی و ریاضی و غالباً به زبان عربی است .

ادبیات فارسی بستر اصلی شکل‌گیری مثنون تاریخ ایران بوده است و تلاش برای شناسایی داده‌های تاریخی از لایه‌های مثنون ادبی یکی از روش‌های دستیابی به گوشه‌هایی از تاریخ ایران است که شاید در مثنون تاریخی کمتر اثری از آنها می‌توان یافت. کشکول شیخ بهایی یکی از همین مثنون ادبی بوده که داده‌های تاریخی قابل توجهی دارد و با توجه به عدم دسترسی به برخی منابع شیخ در تدوین کشکول، محتویات آن دارای اهمیت است. همچنین از بین مباحث مختلفی که شیخ در این اثر آورده است می‌توان به مضامین اخلاقی بسیاری پی برد. کشکول در پنج دفتر تدوین شده و شامل پنجاهی اخلاقی، اجتماعی و… است که به وسیله حکایت، تفسیر، قرآن، اشعار و… از نویسندگان معروف و بعضاً شناسا ذکر شده است.

پس از شیخ بهایی نویسندگان دیگری از طرز فکر شیخ پیروی نموده و آثاری به نام کشکول البته با کلمه اضافی در دست تهیه قرار داده‌اند ولی باید گفت که هیچ کدام به ارزش کشکول شیخ نمی‌رسند بدین دلیل که این کتاب از همه گونه فونوی برخوردار است که شیخ خود درآنها استاد بوده و از آنجا که حداکثر مطالب متنوع آن به زبان عربی گرد آمده به پارسی ترجمه شده است ولی بسیاری از قصاید عربی کتاب با توجه به اینکه ترجمه فارسی لطف و زیبایی آنها را گرفته ترجمه نشده است.

چنین پیداست که شروع به جمع‌آوری کشکول در سال ۹۹۲ هجری در هنگام عزیمت شیخ به سفر حج بوده است زیرا که در اولین صفحات آن از این تاریخ یاد می‌کند. شیخ بسیاری از اشعار خود را به فارسی و عربی در همین کتاب، ثبت کرده است. بجزه اشعار مربوط به سوانح سفر حجاز که بعداً به عنوان «ان حلوا» معروف شده است، جای جای کشکول آمده است. مناسبتی خاص (مثل عید نوروز و…) و با منالحنی ساده و آهزان مجموعه کرانستکی از علوم و معارف مختلف وآینهٔ معلومات و مشرب بهایی محسوب می‌شود.
ظاهر شیخ دقتری همیشه همراه خود داشت که مطالب جالب و مفیدی را که می‌خواند می‌نویسید، در آن ثبت می‌کرد و چون این مطالب، بدون هیچ نظم و ترتیبی و بدون فصل بندی در پی هم آمده است، نام آن را کشکول گذاشت. در مقدمه کتاب آمده، شیخ بهایی وقت گردآوری مطالب مرتب شده‌ای را نداشته و توضیح داده که آنها را به همان حال که بوده، رها کرده است.

پیشنهاد

کتاب را به شیوه خودمان بیاوریم آن هم بدون تقلید

سال‌ها است در این فکرم که بسیار ناخواسته و البته به ناگزیر، گرفتار در دام قالب‌های نگارشی از پیش تعیین شده هستیم و به‌رغم اینکه امر هنر به ظاهر و اساساً با تکرار و کلیشه سازگار نیست، همه گرفتار تقلید و بازآفرینی ایده‌های دیگرانیم. من گرفتار قالب رمان هستم و داستان و حتماً دیگری در گرداب تکرار فرم سینمایی است و آن یکی غزل و مثنوی و… این یعنی ما از قضا در دام‌هایی پهن و دست و پایگراسیریم و تا در خلق هنری بر این پایه‌ن شتیم، چرخد، راه تازه‌ای نخواهیم جست برای بیان شخصی و منحصر به خود. کتاب یک چیزی است و افتادن در دام کسانی که کتاب را فقط در یک شکل به رسمیت می‌شناسند، یک چیز دیگر. در این سال‌ها کم نموده‌اند کسانی که خط کش به دست در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و نشریات نشستند و هر چه را که منتشر شد، با متر و معیار کلیشه‌ها سنجیدند و اگر جایی انحرافی از قواعد تعریف‌شده توسط آنها و گذشتگان‌شان دیده شد، مُهر عدم قبول بر اثری نوبرو و یکه زدند. شگفت‌تر اینکه همین‌در سوی دیگر پشت‌سر آثار هنری مهم و دوران‌ساز گذشتگان سنگر گرفتند و قیافه که: «هنر تن به تکرار نمی‌دهد!»، «هنر مترادف است با شکستن کلیشه‌ها» و «هنر یعنی خلق جدید!» و انگار نه انگار که این همه کتاب نظری را ایشان نوشته‌اند و در آنها اقتدر قانون و قاعده و تبصره گذاشته‌اند که تخطی از آنها به‌منابه هنرناشناسی و بی‌هنری است. الغرض : اکنون چنین درمی‌آید که هنر اگر هنر است، خلق زیبایی است؛ با تناسبات و هماهنگی‌های شکلی و محتوایی تازه. اگر داستان این است که این است، پس چرا یکی چون من باید اسیر قالبی ادبی و از پیش ساخته‌شده باشم؟ آیا همین نشانه کافی نیست که لااقل اگر بی‌هنر نباشم، نوآوار و خلاق نیز نیستم؟ (قصدم هیچ کاستن از ارزش فرم‌های موجود نیست که نمی‌شود هم چنین کرد. رمان برای من بسیار شکوهمند و پرظرفیت است و نیز مثلاً غزل در راه هموار و امن. شعر گفتن در قالب شناخته شده، یعنی رفتن در محدوده‌ای از پیش معین شده و دم زدن از رهایی و آزادی؛ نه؛ حالا دیگر فهمم از کتاب چیز دیگری است. به نظرم هر کتابی باید در تمام ابعاد تازه و بکر باشد، با مختصات جدید، با تناسبات، هماهنگی‌ها و کشفیات و پیشنهادهای نابهنگام. می‌دانم که سخت است، بعید و دور از دسترس است، امکانش بسیار اندک است، از دست همه کم برنی‌آید، درک و دریافتش سخت است، هم برای خالق و هم برای مخاطب و مصرف‌کننده؛ اما! اگر قرار است که چیزی هنر باشد و امر نو و تازه و دوران‌سازی کند، همین است. چاره‌ای جز این نداریم. نمی‌خواهم افراط کنم و آن همه تلاش اهل کلمه و تصویر را نادیده بگیرم و از آن جمله دست و پا زدن خودم را، اما خوشا به سعادت آن کس که اولین رمان را نوشت و آنکه اولین غزل را سرود و آنکه سینما را کشف کرد، اما باقی که ماییم، همه پیرویم و کم‌هنر؛ چه خوشمان بیاید، چه نیاید. اگر ادعایی هست، باید که کتاب و شیوه خود را بیاوریم؛ بی‌تکرار و بی‌تقلید.

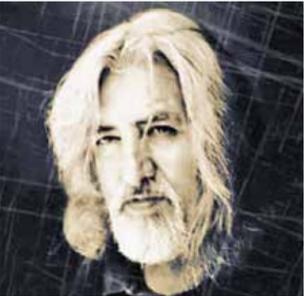
یادداشت



حسام آبنوس روزنامه نگار

📺👆👇👉 **حسام آبنوس**

در ستایش میانمایی
داشت برابیم درد دل می‌کرد. از اینکه هیچ چیز سرچایش نیست. از اینکه در کارش روابط و افراد مهم‌تر از تخصص و عشق و تعهد است. او تعزیه می‌خواند. نه برای درآمد و اسم و رسمش، بلکه عاشق تعزیه است. تلاشش را هم دیده‌ام. برای اینکه درست بخواند یا درست اجرا کند زحمت زیاد کشیده ولی معتقد است باید زیرپلیت دیگری باشی تا مثلاً نقش درست و نسخه کامل برایت در نظر بگیرند. صوراتم بهم ریخت. تعزیه آخه؟ عزای سیدالشهدا(ع) هم محل باندبازی و رفیق بازی و زیر و رو کشیدن است؟ یعنی آنجا هم افراد چیزهایی را اولویت می‌دهند که نباید بدهند؟ خیلی عجیب بود. فضا، فضای درد دل کردن بود ولی این حرف‌ها و غم و غصه نه صدایش را که شنیدم دیگر چیزی نگفتم.



نگفتم که در همه‌جا همین است. در ادبیات، رسانه، هنر و… نگفتم کسی کاری ندارد که تو چقدر زحمت کشیده‌ای، بلکه سؤال اولشان این است که به کی وصلی؟ کاری ندارند که برای رسیدن به اینجا چقدر دیده‌ای و زمین خورده‌ای، مهم این است که در پاند و قبیله‌شان هستی یا نه؟!



او درباره شیوه

پذیرش شعر

برای انتشار

در مجلات

آن روزگار، به

باج خواهی

غیرمستقیم،

نشریات

اشاره

می‌کند. به

عبارتی تا

دم آقایان را

نمی‌دیدند

انگار مجالی

برای دیده

شدن ذوق

شاعری

افراد وجود

نداشت

می‌خواستم بگویم غصه نخور، این شرایط تازگی ندارد. همیشه همین بوده که میانمایه، میانمایه را بزرگ کرده است. اینکه کجا ایستاده‌ای و فاصله‌ت با رئیس قبیله چقدر بوده در جایگاهت تأثیر دارد.

عکس نوشت

📺👆👇👉 **عکس نوشت**



جمعی از ارمنه تهران به مناسبت فرا رسیدن ۲۴ آوریل سالروز کشتار ارمنیان توسط ترکان عثمانی در سال ۱۹۱۵ با تجمع در داخل کلیسای سرکیس مقدس تهران مراسم یادبودی برای گشته‌شدگان این روز برگزار کردند. / ایستا